

منظر تاب آور: مفهومی غیر منظری

بررسی و ارزیابی تعاریف موجود در حوزه تاب آوری منظر مرور فشرده ادبیات نظری

فرشاد بهرامی*

کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مرتضی همتمی

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۸

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۹۸/۱۲/۲۹

چکیده | تاب آوری به عنوان مفهومی نوین در ادبیات پایداری، فهم جدیدی از ارتباط انسان و محیط را ایجاد کرده است. همچنین با افزایش چالش‌های محیطی انسان در قرن جدید، این مفهوم در علوم مختلف گسترش یافته و توسط اندیشمندان رشته‌های متفاوت بازتعریف شده است. منظر نیز به عنوان دانشی که به ارتباط متقابل انسان و محیط می‌پردازد، از این موضوع مستثنی نبوده و در سال‌های اخیر پس از ورود مفهوم تاب آوری به حوزه شهر، اکنون این مفهوم وارد ادبیات این حوزه نیز شده است. بنابراین پژوهشگران به دنبال آن هستند که با بهره‌گیری از مفهوم تاب آوری، به چارچوب نظری‌ای دست یابند که منظر را در مواجهه با آشوب‌های پویای محیطی تاب آور کند. با این حال با بررسی جستارهایی که تاکنون با عنوان منظر تاب آور ارائه شده، به نظر می‌رسد که در پژوهش‌های صورت گرفته تمامی ابعاد منظر مورد توجه قرار نگرفته است. از آنجایی که تبیین ناصحیح منظر در این تعاریف منجر به عملکرد ناقص چارچوب‌های نظری موجود در مواجهه با بحران‌ها خواهد شد، این پژوهش به دنبال ارزیابی تعاریف موجود است. این جستار با ارائه تعاریف صورت گرفته در تاب آوری منظر و تعاریف بنیادین مفهوم منظر، از طریق قیاس امکان ارزیابی تعاریف را فراهم می‌آورد. از این رو، این نوشتار ابتدا با مرور فشرده ادبیات تاب آوری در حوزه شهر و منظر و ارائه مبانی نظری منظر و بیان صفات آن، به تشریح موضوع می‌پردازد. پس از آن، منظر در تعاریف تاب آوری منظر در تناظر با تعاریف بنیادین منظر قرار می‌گیرد و تمایزات آن به بحث گذارده می‌شود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در این تعاریف، با مغفول واقع شدن وجوه ادراکی، تنها به ابعاد عینی منظر اشاره شده و مفهوم منظر، معادل اکوسیستم‌های محیطی انگاشته شده است. بنابراین عبارت منظر در تعاریف موجود در حوزه تاب آوری منظر با مفهوم تعریف شده توسط صاحب نظران ادبیات منظر به لحاظ ماهوی تفاوت دارد.

واژگان کلیدی | تاب آوری، اکولوژی منظر، منظر تاب آور، تعریف منظر، عینی-ذهنی.

مقدمه | منظر یک دیسپلین جدید است که در قرن بیست و یکم به عنوان حوزه‌ای نو از دانش محیطی و به عنوان دیسپلینی رهایی‌بخش در دوره بحران تک‌بعدی‌نگری در رابطه انسان و

محیط مورد توجه است (آل‌هاشمی و منصور، ۱۳۹۶). منظر نمونه‌ای از یک سیستم پیچیده است که زیرسیستم‌های متعددی را شامل می‌شود و همانند یک سیستم زنده پویا در حال رشد و تغییر است. سرعت این تغییرات خیلی سریع است تا حدی که عوامل مختلفی که باعث ایجاد

* نویسنده مسئول: ۰۹۳۹۸۱۱۶۴۶۱، farshad.bahrami@ut.ac.ir

فوق بر چه جنبه‌هایی اشاره دارد و چه جنبه‌هایی از «تعریف منظر» در تعاریف مغفول واقع شده است؟

روش تحقیق

این پژوهش به دنبال تدقیق در مفهوم تاب‌آوری منظر است و این مهم از طریق نقد و تطبیق تعاریف موجود تاب‌آوری منظر با مفهوم منظر صورت می‌پذیرد. این پژوهش شیوه‌ای کیفی را برای پاسخ به سؤال پژوهش اتخاذ کرده است. در ابتدا به مرور تعاریف موجود از تفکر تاب‌آوری و به‌ویژه تاب‌آوری منظر می‌پردازد. در گام دوم، با مرور فشرده ادبیات نظری منظر، رویکردها و ویژگی‌های منظر استخراج شده است. سپس تعاریف موجود با عنوان تاب‌آوری منظر، براساس ویژگی‌های منظر ارزیابی و سنجش می‌شوند. همچنین به منظور گردآوری اطلاعات و منابع در شناخت مفاهیم، از دو روش کتابخانه‌ای و بهره‌بری از پایگاه‌های معتبر علمی، به ویژه اسکوپوس^۱، ساینس دایرکت^۲ و وب‌آوساینس^۳ استفاده شده است.

در این راستا، به منظور گردآوری و مرور فشرده ادبیات نظری تاب‌آوری منظر، کلیدواژه‌های «تاب‌آوری»، «تاب‌آوری منظر» و «منظر تاب‌آور» که از سال ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۹ در قالب ۷ کتاب، ۶۸ مقاله، و ۸ گزارش مطالعه و جست‌وجو به‌عمل آمده که در این میان به دلیل هم‌پوشانی مطالب و فشرده‌سازی مرور ادبیات نظری از ۴ کتاب، ۲۸ مقاله، و ۵ گزارش استفاده شده است. علاوه بر آن، در راستای گردآوری و مرور فشرده ادبیات نظری منظر، از کلیدواژه‌های «منظر»، «رویکردهای منظر»، «عینی-ذهنی»، «پویایی در منظر»، «کل‌گرایی در منظر» و «ویژگی‌های منظر» از سال ۱۹۳۹ تا ۲۰۱۹ در قالب از ۳۲ مقاله، ۱۵ کتاب و ۳ گزارش در سه زبان انگلیسی، فارسی، و فرانسه مطالعه و جست‌وجو به‌عمل آمده که به دلیل هم‌پوشانی مطالب و برای فشرده‌سازی ادبیات نظری از ۱۱ مقاله، ۱۵ کتاب، و ۳ گزارش استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

نخستین جستارهای در باب تاب‌آوری توسط هولینگ در علم اکولوژی صورت گرفت (Holling, 1973). پس از آن میلتهی پژوهش‌هایی در برنامه‌ریزی شهری صورت داد و این مفهوم در علوم شهری گسترش یافت (Mileti, 1999). شکل‌گیری این تفکر در علوم شهری به‌گونه‌ای بود که در جنبه‌های مختلف شهری اعم از انطباق شهر در مواجهه با آشوب‌ها (Picket, Cadenasso & Grove, 2004)؛ تاب‌آوری مکانی-فضایی شهری (قرایی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ تفکر تاب‌آوری در اکولوژی شهری (Alberti & Marzluff, 2004)؛ (Colding, 2007; Ernstson, Van der Leeuw, Redman, Meffert, Davis, Alfsen & Elmqvist, 2010)؛ تاب‌آوری در

تغییر می‌شوند را نمی‌توان کاملاً درک کرد (قرایی، مثنوی و خدابنده، ۱۳۹۶). در نتیجه این موضوع یکی از اصلی‌ترین دلایلی است که منظر به‌عنوان یک سیستم پویا و پیچیده شناخته می‌شود (Meinig, 1979). منظر همانند سیستم‌های دیگر توسط بسیاری از آشوب‌های متعدد محیطی، که برآمده از تغییرات اقلیمی، توسعه بی‌رویه و مداخلات لجام‌گسیخته در سراسر جهان است، تهدید می‌شود (بهرامی، آل‌هاشمی و متدین، ۱۳۹۸). از این رو، مفاهیم متعددی همچون تاب‌آوری برای کاهش این آشوب‌ها ارائه شده است. مفهوم تاب‌آوری با علم «پایداری» مرتبط است. تاب‌آوری به‌عنوان تفکری جدید در برابر تفکر «مقاومت» در رویکرد پایداری پا به عرصه ظهور گذاشته است که با ایجاد راه‌ها، روش‌ها، و رویکردهای مختلف هر سیستمی را در مواجهه با آشوب‌ها پایدار خواهد ساخت. تاب‌آوری در علم اکولوژی توسط هولینگ در رابطه با علم اکولوژی معرفی شد (Holling, 1973) و پس از آن تاب‌آوری در علوم و زمینه‌های مختلفی از جمله ژئومورفولوژی، مدیریت منابع طبیعی، اقتصاد، علوم اجتماعی، اجتماعی-اکولوژیکی، توسعه بین‌المللی، روانشناسی و مدیریت خطر طبیعی توسط اندیشمندان رشته‌های مختلف تعریف و مفهوم‌سازی شده است (Holling, 1973; Tusaie & Dyer, 2004; Perrings, 2006; Rose, 2007; Downes, Miller, Barnett, Glaister & Ellemor, 2013; Brown, 2016; Brown & Williams, 2015; Quinlan, Berbés-Blázquez, Haider & Peterson, 2016; Folke, 2016).

در سال‌های اخیر نیز با تلاش اندیشمندان حوزه شهر مفهوم تاب‌آوری وارد ادبیات شهرسازی و پس از آن توسط برخی از پژوهشگران مفهوم فوق با رویکرد منظر نیز آمیخته شد. اگرچه این صاحب‌نظران در جستارهای خود در تلاش برای تبیین تعریف واژه جدیدی تحت عنوان «منظر تاب‌آور» بوده‌اند و برخی از آنان مدل‌های مفهومی برای کاربردی کردن تعریف فوق ارائه داده‌اند. گستردگی علم تاب‌آوری از یک سو و ابعاد متعدد علم منظر از سویی دیگر، نگارندگان را بر آن داشت که در این جستار به این پرسش بپردازند که «آیا تعاریف موجود که تحت عنوان منظر تاب‌آور ارائه شده‌است، تمامی ابعاد و جنبه‌های منظر را پوشش می‌دهد؟». این پژوهش ابتدا با مرور فشرده ادبیات مفهوم تاب‌آوری و تاب‌آوری منظر و بررسی مبانی نظری منظر، به قیاس تعاریف برآمده از این دو می‌پردازد و ارزیابی تطابق تعاریف به‌دست‌آمده را به بحث می‌گذارد.

سؤال پژوهش

ماهیت عبارت منظر در تعاریف ارائه‌شده تحت عنوان «منظر تاب‌آور» چیست؟ آیا این عبارت با «تعریف منظر» در ادبیات این رشته تطابق دارد؟ در صورت منفی بودن پاسخ، تعاریف

تفکر تاب‌آوری در علوم شهری

تفکر تاب‌آوری را می‌توان در امتداد اندیشه‌های نظریه آشوب دانست. این مفهوم در نظریه آشوب به‌عنوان مجموعه راهبردهایی برای مدیریت شرایط بحرانی و تصمیم‌گیری در برابر آشوب‌های غیرقابل‌پیش‌بینی تبیین شد. با این حال با توجه به رواج مفهوم پایداری در قرن بیستم، این عبارت با نقد برخی از مباحث پایداری، به‌عنوان فصلی جدید از این علم تحت عنوان واژه تاب‌آوری مطرح شد. در عنوان لاتین تاب‌آوری از ریشه لاتین «Resilio» به معنای «بازگشت به گذشته» گرفته شده است (Klein, Nicholls, 102, 2003, Thomalla, &). اصطلاح «تاب‌آوری» برای اولین بار توسط هولینگ در علم اکولوژی به‌مثابه «توانایی یک سیستم برای جذب شوک‌ها، تغییرات و اختلالات در حالی که عملکرد سیستم باقی بماند» تعریف شد (Holling, 1973). بعد از هولینگ، پژوهشگران متعددی به گسترش و توسعه مفهوم تاب‌آوری پرداخته‌اند. آلبرتی و همکارانش معتقدند که تاب‌آوری مفهومی است که ترکیبی از توانایی، یادگیری، سازگاری، خودسازماندهی مجدد و دستیابی به تعادل و همچنین جذب آشوب‌هاست (Alberti, Marzluff, Shulenberger, Bradley, Ryan, 2003, & Zumbrennen). واکر و سلت بیان کرده‌اند که تاب‌آوری به‌مثابه ظرفیت یک سیستم در برابر اختلالات و تغییرات در عین حفظ کارکرد، ساختار، بازخوردها و هویت است (Walker & Salt, 2006). فولک نیز معتقد است که مفهوم تاب‌آوری به معنای توانایی و پایداری سیستم در مواجهه با آشفتگی‌ها و قابلیت سیستم در توسعه باوجود تغییرات و آشوب‌هاست (Folke, 2016). براساس مجموع آرای صاحب‌نظران، تاب‌آوری را می‌توان به‌عنوان توانایی یا ظرفیت یک سیستم در مواجهه با اختلالات و آشوب‌ها در نظر گرفت و آن را اصطلاحی دانست که در برابر «مقاومت» یا به عرصه ظهور گذاشته است. همچنین در دهه ۱۹۹۰، مفهوم تاب‌آوری به‌مرور در علوم شهری گسترش یافت و در ادبیات برنامه‌ریزی شهری در مواجهه با آشوب‌های محیطی و در راستای انطباق‌پذیری ساختارهای اجتماعی و محیطی پدید آمد (Mileti, 1999; Lu & Stead, 2013). پیکت و همکارانش تاب‌آوری شهری را ظرفیت یک سیستم، در این مورد یک شهر، برای انطباق در مقابل آشوب‌ها تعریف کرد (Pickett, Cadenasso & Grove, 2004). این تعریف از تاب‌آوری شهری به ظرفیت یک شهر اشاره دارد تا بتواند عملکردها و ساختارهای خود را در مواجهه با آشوب‌ها حفظ کند (Holling, 1973; 1996; White, 2013). تاب‌آوری شهری همچنین توسط مروی و همکارانش «به توانایی یک سیستم شهری و کلیه شبکه اکولوژیکی-اجتماعی و

برنامه‌ریزی فضایی شهری (Albers & Deppisch, 2013)؛ تاب‌آوری شهری و خطرات طبیعی (Godschalk, 2003)؛ تاب‌آوری دگرذیسی شهری (Smith, 2010; Hodson & Marvin, 2012)؛ تاب‌آوری شهری از دیدگاه مهندسی عمران (Bozza, Asprone & Fabbrocino, 2017)؛ تاب‌آوری منطقه‌ای (Christopherson, Michie & Tyler, 2010) و در جنبه‌های دیگر شکل گرفته است. اگرچه تفکر تاب‌آوری در ادبیات شهری شکل گرفت، اما پژوهشگران رواج و اهمیت مفهوم منظر در ادبیات شهر موجب شد تا پژوهشگرانی در پی تلفیق این مفهوم با تعریف منظر شوند. علم منظر خود، به‌طور رسمی در قرن پانزدهم و هم‌زمان با پدیدآمدن ریشه‌های مدرنیته شکل گرفت (Berque, 1995; 2013; Roger, 1994; Collot, 2011). از اواخر قرن نوزدهم، منظر به‌عنوان مفهومی در فلسفه و ادراک انسانی شکل گرفت که در این میان، زیمل آغازگر تلفیق فلسفه با دانش منظر، تحت عنوان «فلسفه منظر» است (Brunon, 2010). در قرن بیست و یکم، منظر به‌عنوان یک دیسپلین برای آینده شناخته شده است به‌طوری که منظر به موضوعی «فرارشته‌ای» در نظر گرفته می‌شود (Chomarar-Ruiz, 2008).

در باب منظر تاب‌آور ذکر این نکته حائز اهمیت است که پژوهش‌های اندکی در حوزه تاب‌آوری منظر انجام شده است، به‌طوری که در میان آنان، آهرن یکی از نخستین افرادی است که به این مفهوم در حوزه منظر شهری پرداخته است (Ahern, 2013). علاوه بر آن، همتی (۱۳۹۴) در راستای تفکرات آهرن، با ارائه ۶ شاخص ارزیابی، سعی در ارائه چارچوب نظری و تعریفی در منظر تاب‌آور را داشته است. کوکبورن و همکارانش در قالب گزارشی، برای تاب‌آوری معماری منظر پیشنهاداتی ارائه داده‌اند (Cockburn, Lindley, Kotze, 2015, & Dubazane). همچنین، «خدمات زمین محلی در غرب مرکزی» در گزارشی که اساس آن را تاب‌آوری منظر تشکیل می‌دهد به تبیین این موضوع پرداخته است (Local Land Services Central West, 2016). همچنین بلر، لیستر و سیجمونز هرکدام در پژوهش‌های مستقلی در سال ۲۰۱۵ به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند (Beller Robinson, Grossinger & Grenier, 2015; Sijmons, 2015; Lister, 2015). مکن‌تاش و همکارانش نیز در تحقیقی مفصل از دیدگاهی اکولوژیکی به موضوع نگریسته است (Mcintosh, Marques & Hatton, 2018). همچنین «انجمن علمی معماری منظر امریکا» در وبسایت خود در مطلبی با عنوان منظر تاب‌آور تعریفی از این مفهوم را منتشر ساخته است (ASLA, 2019). با این حال هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق به مقایسه و ارزیابی مفهوم منظر در آرای صاحب‌نظران این رشته و تعاریف ارائه‌شده با عنوان منظر تاب‌آور نپرداخته‌اند.

به امری پویا بدل می‌کند (همتی، ۱۳۹۴، ۷۵). این نکته نیز حائز اهمیت است که همتی در ادامه بیان می‌دارد که از برگردان سازگاری به جای تاب‌آوری استفاده کرده است. علاوه بر آن کاکبرن و همکارانش در پژوهشی «تاب‌آوری منظر» را مبتنی بر سه مفهوم دانسته‌اند: تفکر تاب‌آوری، ایجاد ارزش مشترک و یادگیری اجتماعی (Cockburn et al., 2015). در ادامه نگارندگان توضیح می‌دهند: رویکرد تاب‌آوری منظر روشی جدید برای همکاری با ذی‌نفعان در مناظر چندمنظوره و برای ایجاد تاب‌آوری اکوسیستم‌ها از طریق یادگیری، مشارکت، اقدامات محلی، و از طریق زنجیره‌های ارزش کالاهای کشاورزی و جنگل‌داری است. این مناظر تاب‌آوری نه تنها وضعیت معیشت جوامع محلی، بلکه زنجیره‌های غذایی با ارزش و بازارهای را نیز در بر می‌گیرد (ibid.). همچنین بلر و همکارانش آورده‌اند که تاب‌آوری منظر به توانایی یک منظر برای حفظ عملکردهای اکولوژیکی مورد نظر، تنوع زیستی قدرتمند و فرایندهای مهم منظر در مواجهه با شرایط و آشوب‌های متغیر با وجود عوامل تنش‌زا و عدم قطعیت‌های متعدد اطلاق می‌شود (Beller et al., 2015). همچنین در سال ۲۰۱۵، مجله «توپوس»^۲ در شماره ۹۰، ویژه‌نامه‌ای با عنوان «تاب‌آوری شهری و منظر» به چاپ رساند که در آن پژوهشگرانی از جمله لیستر و سیجمونز به تبیین تاب‌آوری پرداخته‌اند. لیستر معتقد است طراحی تاب‌آوری نیاز به یک رویکرد مبتنی بر شواهد دارد که در مواجهه با پیچیدگی، عدم اطمینان و آسیب‌پذیری، به طراحی سازگار و سازگار با محیط‌زیست منجر شود. براساس این تعریف، تاب‌آوری منظر به‌مثابه تاب‌آوری عملکردی فضاها در نظر گرفته شده است (Lyster, 2015). علاوه بر لیستر، سیجمونز نیز معتقد است اکثر مشکلات زیست‌محیطی جهانی ریشه‌های شهری دارند، در نتیجه، در راستای کاهش آشوب در منظر، ابتدا می‌بایست مشکلات و آشوب‌های شهری سامان یابند (Sijmons, 2015). علاوه بر آن، در پژوهشی که توسط مؤسسه «خدمات زمین محلی در غرب مرکزی» در کشور استرالیا انجام شده، از واژه «تاب‌آوری منظر» استفاده شده است. در این جستار، تاب‌آوری منظر توانایی منظر طبیعی و اکوسیستم‌ها برای بهبودی در مواجهه با آشوب‌ها و اختلالات، مانند پاکسازی، چرای احشام، طوفان‌های بادی، رانش زمین، آتش، خشکسالی، سیل، تغییرات آب و هوایی، مواد شیمیایی، تهاجم علف‌های هرز یا شکار اشاره شده است (Local Land Services Central West, 2016). چنانکه به‌نظر می‌رسد در این تعریف منظر به‌عنوان یک «اکوسیستم» در نظر گرفته شده است و رویکردهایی برای مواجهه با بحران‌ها و اختلالات اکولوژیکی آن پیشنهاد شده است. همچنین در پژوهشی مشابه، مکن‌تاش و همکارانش

تکنیکی-اجتماعی سازنده‌اش در مقیاس‌های زمانی و مکانی اطلاق می‌شود که در مواجهه با آشوب‌ها، اقدام به حفظ عملکردهای مطلوب یا بازگشت سریع به آنها می‌کنند» (Meerow, Newell & Stults, 2016). این تعریف بر پویایی تاب‌آوری شهر تأکید دارد و معتقد است که شهر نیازمند یک رویکرد انطباق‌پذیر در راستای افزایش توانایی اجزای آن در مواجهه با آشوب‌هاست. مفهوم تاب‌آوری شهری در دهه گذشته به مرور با افزایش بحران‌های محیطی و تغییرات غیرقابل‌پیش‌بینی به اهمیت خود افزود و امروزه از آن می‌توان به‌عنوان یکی از پرتکرارترین کلیدواژگان ادبیات شهری نام برد. همچنین قابل ذکر است که این مفهوم با گسترش در رشته‌ها و دیسپلین‌های مرتبط با علوم شهری، توسط صاحب‌نظران هر رشته مطابق مفاهیم، الزامات و چالش‌های آن رشته تعاریف جدیدی صورت پذیرفت.

تاب‌آوری منظر

اگرچه چنانکه عنوان شد پیش از این مفهوم تاب‌آوری در علوم شهری وارد شده بود، ولی اهمیت و رواج مفهوم منظر در ادبیات نوین شهری موجب شد تا برخی از پژوهشگران با عناوینی چون منظر تاب‌آور و تاب‌آوری منظر، ادبیات تاب‌آوری را به این مبحث نیز گسترش دهند. ذکر این نکته لازم است که این مفهوم ابتدا در پروژه‌های منظر به‌صورت عملی در آثار شاخص معماران منطری چون ون‌والکنبرگ و یو در مواجهه با بحران‌های محیطی به‌کار گرفته شد و بعدتر توسط اندیشمندان این حوزه به‌صورت آکادمیک تبیین شد.^۱ در این میان آهرن (Ahern, 2013) با ارائه ۵ شاخص در زمینه «منظر شهری اکولوژیکی» سعی در تبیین الگویی برای ارزیابی منظر تاب‌آور داشته است. در تعریف وی شاخص‌های سنجش با عناوین افزونگی؛ تنوع؛ چندعملکردی‌بودن سیستم شهری؛ شبکه‌های اکولوژیکی شهری و ارتباط یا اتصال؛ و طراحی تطبیقی و سازگاری با تغییرات پیشنهاد شده است. وی با تأکید بر عنوان اکولوژیکی، متخصصان اکولوژی منظر را به دلیل داشتن تخصص میان‌رشته‌ای نسبت به سایر رشته‌ها، توجه آنها به مکان، پویایی و فرایندهای اکولوژیکی و تعهد آنها به استفاده از دانش علمی در برنامه‌ریزی منظر و سیاست‌های مدیریتی منظر از سایر رشته‌های مشابه ارجح می‌داند (ibid.). علاوه بر آهرن، همتی نیز با تأکید بر ابعاد اکولوژیکی منظر و با ارائه ۶ شاخص در «سازگاری منظر»، به تبیین سازگاری اکولوژیکی منظر پرداخته است. او معتقد است که «پایداری منظر امروز در گروی سازگاری آن است. سازگاری نتیجه بازنگری در مفاهیم پیشین پایداری است. تعریف جدیدی که امروزه از پایداری اکولوژیکی ارائه می‌شود از توان وفق‌یافتن با شرایط متفاوت محیطی سخن می‌گوید و آن را از امری ایستا

امروز به‌عنوان یکی از پر استفاده‌ترین مفاهیم در ادبیات شهر شناخته می‌شود، ولی این مفهوم در گذر زمان تکامل یافته و در سال‌های اخیر در حوزه‌های متعددی مورد استفاده قرار گرفته است (آل‌هاشمی و منصور، ۱۳۹۶). لذا فهم معانی منظر بدون شناخت تحولات مفهومی آن ممکن است به فهم ناصحیح این مفهوم منجر شود. چنان‌که راجر می‌آورد اصطلاح منظر برای نخستین بار در قرن پانزدهم برای توصیف یک اثر نقاشی استفاده شده است (Roger, 1994). این مفهوم پس از دورهٔ رنسانس رواج و توسعهٔ بیشتری یافت و در قرن هجدهم از آن به‌عنوان زیبایی ناب طبیعت استفاده می‌شد (Berque, 1995). در این قرون منظر با تکیه بر صفات بیرونی و عینی، واژه‌ای برای وصف محیط طبیعی است. با این حال در قرن بیستم با تشکیک اندیشمندانی چون هگل و هایدگر در مبانی فکری رنسانس، منظر ابعاد جدیدی یافت. «هایدگر» با بسط مسئلهٔ وجود که پیش از او توسط «هگل» طرح شده بود، زمینهٔ انحصار طبقه‌بندی پدیده‌ها به دو گروه عینی (ابژکتیو) یا ذهنی (سوبژکتیو) را بر هم زد (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۰). اگرچه منظر پا بر شانه‌های دوقطبی عینیت و ذهنیت و جداسدن از جهان فیزیکی (ماده) به مفهوم نگاه فردگرایانه به طبیعت دارد اما با رد این دوقطبی و پذیرش عدم قطعیت جهان، به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی و رابطه‌ای بین سوژه و ابژه تعریف می‌شود (آل‌هاشمی و منصور، ۱۳۹۶).

در تعریف منظر اگرچه پژوهشگران حوزهٔ منظر رویکردهای متفاوتی برای بیان مفهوم منظر داشته‌اند، تمام تعاریف اشاره به مفهوم «دراک» دارد. بخشی از پژوهشگران با تأکید بر عبارت «عینی-ذهنی» به بیان مفهوم پرداخته‌اند. برای نمونه آل‌هاشمی و منصور (۱۳۹۶) آورده‌اند که «در نگاه به دیسپلین منظر، رویکردهای متعددی عینی، ذهنی و یا عینی-ذهنی تعریف و

نیز با تمرکز بر ابعاد اکولوژیک و اکوسیستم‌های محیطی بیان می‌دارند که تاب‌آوری منظر به توانایی اکوسیستم‌ها برای بازیابی تعادل بین اجزای اکولوژیکی سیستم اطلاق می‌شود که این موضوع به موارد متعددی اعم از ویژگی‌های ذاتی اجزای سیستم، انرژی مبادله‌شده بین اجزای مختلف سیستم، توانایی هر یک از اجزا برای سازماندهی مجدد در هنگام اتصال به یک جز دیگر، و سازگاری بین آنان بستگی دارد (Mcintosh, Marques & Hatton, 2018). همچنین «انجمن علمی معماری منظر امریکا» در بیان خود از این مفهوم آورده است که هدف منظر تاب‌آور، بازآفرینی و بازیابی مجامع برای خودسازماندهی مجدد در مواجهه با آشوب‌های شدید است. در دنیای امروز که بلاهای طبیعی علت اصلی واژگونی و ویرانی سازه‌های سنتی است، سیستم‌های سازگار و چندلایه می‌توانند کارکردهای حیاتی خود را حفظ کنند و غالباً راه‌حل‌های مقرون‌به‌صرفه‌تر و کاربردی‌تری نسبت به سازه‌های سنتی باشند (ASLA, 2019). با توجه به مجموعهٔ تعاریفی که از پژوهشگران متعدد آورده شد، اگر تاب‌آوری مدلی مفهومی تصور شود که یک سیستم، در این مثال منظر، را تاب‌آور می‌کند، اکنون می‌توان با تدقیق در چپستی این سیستم (منظر) در تعریف پژوهشگران به ماهیت منظر در بیان هر کدام از آنان دست یافت (جدول ۱).

مبانی نظری منظر

کشف دوبارهٔ مفهوم منظر در حوزهٔ علوم شهری را می‌توان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این علم در قرن اخیر دانست. با ورود مفهوم منظر به علوم شهری رویکردهای نوینی در نگرش به مفهوم شهر ایجاد شد که شهر را کلیتی فراتر از موضوعات کالبدی می‌انگارد. ذکر این نکته لازم است که اگرچه منظر

جدول ۱. عبارات استفاده‌شده در بیان ماهیت منظر در تعاریف پژوهشگران. مأخذ: نگارندگان.

پژوهشگران	ماهیت تاب‌آوری منظر
Ahern (2013)	ابعاد اکولوژیک
همتی (۱۳۹۴)	ابعاد اکولوژی منظر
Cockburn et al. (2015)	ابعاد اکولوژی و مشارکت اجتماع
Beller et al. (2015)	روابط اکوسیستم‌های طبیعی
Lister (2015)	ابعاد عملکردی فضاها
Sijmons (2015)	شهر و محیط زیست
Local Land Services central west (2016)	ابعاد طبیعی و اکوسیستم‌ها
Mcintosh et al. (2018)	اکوسیستم‌ها
ASLA (2019)	سیستمی چندلایه در مواجهه با آشوب‌های محیطی

اشتاینر نیز با استفاده از عنوان «جریان‌های ذهنی اجتماع» در محیط بر اهمیت ابعاد ذهنی منظر تأکید دارد (Steiner, 2011). با بیانی مشابه، هاگرتاند نیز در تعریف منظر به «جنبه‌های ذهنی جامعه» اشاره کرده است (Hägerstrand, 1993). علاوه بر آن، پژوهشگران دیگری عبارت «فرهنگ» را معادل ذهنیت در اندیشه منظر در نظر گرفته‌اند (Duncan, 1990; Duncan, 1969; Wu, 2008; Mc Harg, 1969). همچنین پژوهشگرانی چون تووان و بوراسا نیز با بیان نکاتی درباره مفاهیم زیباشناسانه در منظر، آن را محصول وجود ابعاد ذهنی منظر و ارتباط با کیفیات عینی آن می‌پندارند (Tuan, 1979; Bourassa, 1978). با توجه به بیان مفهوم منظر در اندیشه صاحب‌نظران، می‌توان با تدقیق در تعاریف و جستار ماهوی آن، به ماهیت مفهوم منظر در بیان آنان دست یافت. همچنین می‌توان با بررسی اصطلاحات به‌کاربرده‌شده توسط اندیشمندان، ماهیت منظر را براساس تشابه در اصطلاحات، در دسته‌بندی زیر قرار داد (جدول ۲).

بحث

مرور مبانی منظر، آشکار می‌کند که مفهوم منظر به‌عنوان یک دیسپلین جدید، جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی را شامل

جدول ۲. عبارات استفاده‌شده در بیان ماهیت منظر در تعاریف پژوهشگران. مأخذ: نگارندگان.

پژوهشگران	ماهیت منظر
منصوری (۱۳۸۹) آل‌هاشمی و منصوری (۱۳۹۶) آتشین‌بار (۱۳۸۸) لسوس (۱۳۹۲) Berque (1995)	عینی-ذهنی
Meinig (1979) Lewis (2014) Haber (2004) Spirn (1998) Council of Europe (1979) Bell (2012) ترنر، (۱۳۷۶)	ماهیت ادراکی
Mc Harg (1996) Wu (2008) Duncan (1990) Duncan and Duncan (2009)	فرهنگی
Hägerstrand (1993) Steiner (2011)	جنبه‌های ذهنی اجتماع
Tuan (1979) Bourassa (1978)	وجه ذهنی در ارتباط با کیفیت‌های عینی منظر

تبیین شده است. اما با این وجود، در قرن بیست و یکم، رویکرد عینی-ذهنی به‌عنوان بدیع‌ترین و کامل‌ترین رویکرد در حوزه منظر شناخته می‌شود. علاوه بر آن، منصوری در پژوهش دیگری آورده است که «منظر دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا است» (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۱). آگوستین برک به‌عنوان یکی بنیان‌گذاران این رویکرد در منظر که معتقد است منظر یک پدیده عینی-ذهنی است و در واقع یک واقعیت اجتماعی است که محصول مشترک طبیعت و فرهنگ است (Berque, 1995). او معتقد است که «منظر از رابطه ثبات میان دو بعد از وجود ما، این رفت و آمد میان جسم حیوانی و روانی مابین روح ما و آنچه ما را در بر گرفته است، متولد می‌شود. این رابطه به اطلاعات عینی در یک بخش و تصاویر ذهنی در بخشی دیگر تفکیک نمی‌شود، بلکه عینی و ذهنی در یک ساختار هوشمند به هم پیوند خورده و ترکیب می‌شود» (Berque, 2013, 67). در این رابطه بین عینت و ذهنیت، مکان‌های انسانی به‌طور همزمان اکولوژیک و سمبولیک هستند و می‌توان آن را «اکوسمبولیک» نامید (Berque, 2000). علاوه بر برک، لاسوس نیز بر ماهیت تفکیک‌ناپذیر و مداوم جنبه‌های عینی و ذهنی منظر تأکید کرد (لسوس، ۱۳۹۲). او همچنین معتقد است منظر اندیشه‌ای است که ارتباط تنگاتنگ با محیط دارد و تعاملی بین ظاهر، پنهان، حقیقت و خیال است (ibid.). آتشین‌بار نیز در راستای همین نگرش، بر پویایی منظر و ارتباط آن با ادراک و ذهن مخاطب تأکید می‌کند (آتشین‌بار، ۱۳۸۸). همچنین این نگرش به منظر، در تعریف کنوانسیون اروپا از منظر به‌چشم می‌خورد. به‌طوری که «کنوانسیون اروپا» منظر را به‌عنوان «بخشی از زمین، آن‌گونه که توسط مردم محلی یا بازدیدکنندگان درک می‌شود»، تعریف می‌کند که «در اثر گذر زمان و توسط نیروهای طبیعی و انسانی متحول می‌شود» (Council of Europe, 2000). برخی از پژوهشگران بر ابعاد «ادراکی» تأکید داشته‌اند. اسپرین نیز در کتاب «زبان منظر»، منظر را چنین تبیین می‌کند: «تعامل بین محیط و مردم است و به پدیده ادراکی اشاره دارد» (Spirn, 1998). سایمون بل و ولفگانگ هابر مفهوم منظر را «محیط ادراک شده» معرفی کرده‌اند (Bell, 2012; Haber, 2004). شیبانی نیز با استفاده از عبارات‌های «مکان» از جمله پژوهشگرانی است که منظر را پدیده‌ای مکانمند تفسیر کرده است (شیبانی، ۱۳۸۹). همچنین ترنر در «تفکرات و اندیشه منظر»، به «ادراک هر شخص» از محیط اشاره می‌کند (ترنر، ۱۳۷۶). لوپس نیز با تأکید بر بعد ادراکی منظر می‌آورد که منظر «تقریباً آن چیزی است که هنگام بیرون رفتن از خانه با آن روبه‌رو می‌شویم و آن را درک می‌کنیم» (Lewis, 1979). همچنین مینینگ معتقد است «منظر نه‌تنها از آنچه پیش چشم ماست، بلکه آنچه در ذهن ما نهفته است، تشکیل می‌شود» (Meinig, 1979).

اگرچه در این بیان‌ها برخی از اصطلاحات به موضوعی مشابه ماهیتی حدوداً متفاوت داده‌اند (تفاوت ماهیت عینی-ذهنی و ماهیت ادراکی) با این حال تمامی بیان‌ها به صورت آشکار به وجود ابعادی ادراکی در ماهیت منظر، با عبارات مختلف، اشاره داشته‌اند. چنان‌که مرور سیر تحول مفهومی منظر و تعاریف ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران رشته منظر نشان از آن دارد که حضور انسان به‌عنوان «ادراک‌کننده» جزء تفکیک‌ناپذیر تعاریف منظر در تعیین ماهیت آن است. به‌عبارتی انسان ادراک‌کننده محیط کلیتی درهم‌تنیده را رقم می‌زند که با طی فرایندی پیچیده حاصلش می‌شود منظر (لسوس، ۱۳۹۲؛ Swaffield, 2002). همچنین مقایسه جدول ۱ و ۲ آشکار می‌کند که ماهیت منظر در این دو تعاریف با یکدیگر نه تنها یکسان نیست بلکه تشابه نیز ندارد. بنابراین تعاریف ارائه‌شده از منظر تاب‌آور نه تنها به تمامی ابعاد منظر پرداخته و اصطلاحاً دارای جامعیت^۳ نیست، بلکه به‌لحاظ ماهوی نیز دارای ماهیت متفاوتی است.

نتیجه‌گیری

منظر به‌عنوان یک دانش محیطی همیشه در معرض آشوب‌های مختلف و فراوان محیطی قرار داشته است. از این رو، صاحب‌نظران با تبیین مفاهیم تاب‌آوری در حوزه منظر تلاش داشته‌اند تا منظر را در مواجهه با آشوب‌های گوناگون محیطی پایدار کنند. با این حال مرور تعاریف ارائه‌شده تحت عنوان تاب‌آوری منظر و بررسی مبانی نظری منظر و صفات آن، مبین عدم تطابق مفهوم منظر در آن دو است و به‌نظر می‌رسد که تعاریف موجود تاب‌آوری منظر دارای جامعیت در بیان صفات منظر نیستند. چنان‌که پژوهشگران و صاحب‌نظرانی که تاکنون به تعریف تاب‌آوری منظر مبادرت داشته‌اند، تنها به وجوه عینی منظر تأکید دارند و آن را معادل اکوسیستم‌های محیطی، به‌عنوان یکی از اجزای منظر، انگاشته‌اند. علاوه بر آن در تمامی این تعاریف «ابعاد ادراکی» منظر نادیده گرفته شده است. حال در صورت نادیده گرفتن ابعاد ادراکی در کنار وجوه عینی در تعریف منظر تاب‌آور، تمامی کلیت درهم‌تنیده و یکپارچه آن از میان می‌رود. بنابراین حذف ابعاد ادراکی منظر در این تعاریف به حذف مفهوم منظر منجر می‌شود و آنچه می‌ماند نه بخشی از منظر بلکه چیزی غیر از منظر است. چنان‌که قیاس ماهیت منظر در تعاریف تاب‌آوری منظر و مفهوم منظر آشکار ساخت که ماهیت منظر در این تعاریف با یکدیگر تطابق ندارد. عدم تطابق ماهوی تعاریف منظر در دو حوزه علمی بیانگر آن است که این دو تعاریف با یکدیگر برابر نیستند و در نظر صاحب‌نظران این علم، وحدت معنایی وجود ندارد. چنان‌که وجود تکثر معنایی و محتوای متعدد از یک مفهوم موجب

می‌شود که در صورت عدم توجه به تمامی آنها، این مفهوم دچار نقص می‌شود. با این حال بررسی تعاریف ارائه‌شده برای منظر تاب‌آور بیانگر آن است که عبارت منظر تنها به ابعاد عینی محیط اشاره دارد و در آن ادراک انسان -به‌عنوان جزئی لاینفک- در نظر گرفته نشده است. چنان‌که در تعریف آهرن (Ahern, 2013) پنج شاخص «افزونگی؛ تنوع؛ چندعملکردی بودن سیستم شهری؛ اکولوژی شهری و ارتباط یا اتصال؛ و طراحی تطبیقی و سازگاری با تغییرات» برای ارزیابی تاب‌آوری منظر بیان شده است، ولی هیچ‌کدام از عوامل به جنبه‌های ادراکی اشاره‌ای ندارد. همتی (۱۳۹۴) نیز با بیان اینکه «سازگاری [تاب‌آوری] با بازتعریف پایداری اکولوژی، الگوهایی برای طراحی منظر ارائه می‌کند که قابلیت آن‌ها را برای مواجهه با سوانح و مخاطرات طبیعی افزایش می‌دهد»، منظر را با مجموعه‌ای از اکولوژی منظر متعدد معادل انگاشته است. در صورتی که اکولوژی منظر یکی از آثار منظر است نه خود منظر (منصوری، ۱۳۹۴). همچنین کاکبرن و همکارانش (Cockburn et al., 2015) هدف از تاب‌آوری منظر را «ایجاد تاب‌آوری اکوسیستم‌ها» بیان کرده و به تاب‌آوری بخش ادراکی منظر اشاره‌ای نداشته است. اگرچه او در بخشی از تعریف از اجتماع سخن آورده است، ولی در نگاه او اجتماع به‌عنوان جزئی اکولوژیک دیده شده است نه فاعل عمل ادراک که مبین تعریف منظر است. مشابه آن بلر و همکارانش (Beller et al., 2015) نیز «حفظ عملکردهای اکولوژیکی» را هدف غایی انگاشته‌اند. همچنین در تعریف لیستر منظر معادل «ابعاد عملکردی فضا» انگاشته شده است (Lister, 2015). در تعریف سیجمنز ماهیت منظر با «محیط‌زیست» یکسان انگاشته شده است. در پژوهش موسسه خدمات زمین محلی در غرب مرکزی (Local Land Services central west, 2016) نیز «منظر طبیعی و اکوسیستم‌ها» و در تعریف مکن‌تاش و همکارانش (Mcintosh et al., 2018) «اکوسیستم‌های منظر» به‌عنوان ابعاد عینی منظر، فاعلان اصلی تعریف تبیین شده‌اند و اشاره‌ای به ذهنیت مخاطبان منظر نشده است. شایان ذکر است که اکوسیستم جزئی از کلیت منظر است و معادل دانستن کلیت یک مفهوم با یکی از اجزای آن ایجاد ابهام می‌کند. در تعریف «انجمن علمی معماری منظر امریکا» از عنوان «سیستمی چندلایه در مواجهه با آشوب‌های محیطی» استفاده شده است. در این تعریف نیز لایه‌های عملکردی و اکولوژیک با منظر برابر دانسته شده است (ASLA, 2019).

جدول ۱ نشان می‌دهد تعاریف صورت‌گرفته با بیان‌های متفاوت و عبارات متنوع ماهیت منظر را «اکوسیستم‌های محیطی» دانسته‌اند و جدول ۲ بیانگر آن است که پژوهشگران با اصطلاحات متنوع به بیان ماهیت منظر پرداخته‌اند.

مفهوم تاب‌آوری منظر نیازمند به بازنگری جدی توسط اندیشمندان حوزه‌های منظر و تاب‌آوری است. همچنین با توجه به اهمیت روزافزون موضوع، مفهوم فوق باید با تدقیق در کاستی‌های تعاریف صورت‌گرفته مورد پژوهش قرار گیرد تا تعریفی جامع از مفهومی «تاب‌آوری منظر» به‌دست آید.

می‌شود که متخصصان و صاحب‌نظران نتوانند بر موضوعی واحد مباحثه کنند و به نتیجه‌گیری صحیح و دقیق برسند. همچنین به‌نظر می‌رسد تعاریف ناصحیح موجود قادر به ایجاد مدل مفهومی و پس از آن راهبردهایی عملی برای ایجاد منظری تاب‌آور نیست. در نتیجه، به‌نظر می‌رسد

پی‌نوشت‌ها

۲. Topos
 ۳. تعریف نباید محدودتر از معرّف باشد، چراکه در این صورت، شامل همه افراد معرّف نمی‌شود. در مورد این شرط، به‌اصطلاح گفته می‌شود که تعریف باید جامع افراد باشد، یعنی تعریف باید همه افراد معرّف را در بر بگیرد (خوانساری، ۱۳۶۶).

۱. می‌توان مایکل ون والکنبرگ (Michael Van Valkenburgh) را که در پروژه پارک ساحلی آلتی در سال ۲۰۰۵ و پس از آن در پارک ساحلی هادسون در سال ۲۰۰۹، از این مفهوم در طراحی بهره برد، یکی از نخستین افرادی دانست که در ورود تاب‌آوری در حوزه منظر مؤثر بودند. پس از آن نیز کونجیان یو (Kongjian Yu) در سال ۲۰۱۲ پروژه کیونلی پارک را با الهام از این مفهوم طراحی کرد.

فهرست منابع

AIBS Bulletin, (53), 1169-1179.

- Alberti, M. & Marzluff, J. M. (2004). Ecological resilience in urban ecosystems: linking urban patterns to human and ecological functions. *Urban Ecosyst*, 7(3), 241-265.
- ASLA. (2019). *Resilient Landscape*. Retrieved from www.asla.org
- Bell, S. (2012). *Landscape: Pattern, Perception and Process*. London: Routledge.
- Beller, E., Robinson, A., Grossinger, R. & Grenier, L. (2015). *Landscape Resilience Framework: Operationalizing ecological resilience at the landscape scale. Prepared for Google Ecology Program. A Report of SFEI-ASC's Resilient Landscapes Program*. San Francisco: Estuary Institute, Richmond, CA.
- Berque, A. (1995). *Les raisons du paysage: de la Chine antique aux environnements de synthèse*. Paris: Fernand Hazan.
- Berque, A. (2000). *De peuples en pays, ou la trajection paysagère. Les enjeux du paysage*. Paris: Ousia. Hazan.
- Berque, A. (2013). *Thinking through landscape*. New York: Routledge.
- Bourassa, SC. (1978). Toward a theory of landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, (15), 241-252.
- Bozza, A., Asprone, D. & Fabbrocino, F. (2017). Urban resilience: a civil engineering perspective. *Sustainability*, 9(1), 103-120.
- Brown, ED. & Williams, B. K. (2015). Resilience and resource management. *Environmental Management*, (56), 1416-1427.
- Brown, K. (2016). *Resilience, Development and Global Change*. London: Routledge.
- Brunon, H. (2010). The notion of landscape in the humanities and social sciences: benchmarks on "culturalist" approaches: Thematic bibliography. Retrieved from https://hal.archives-ouvertes.fr/halshs-00462112
- Chomarat-Ruiz, C. (2008). *La critique de paysage peut-elle*

- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). تداوم هویت در منظر شهری. *باغ نظر*، ۶(۱۲)، ۴۵-۵۶.
- آل‌هاشمی، آیدا و منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۶). منظر، مفهومی در حال تغییر: نگاهی به سیر تحول مفهوم منظر از رنسانس تا کنون. *باغ نظر*، ۱۴(۵۷)، ۳۳-۴۴.
- بهرامی، فرشاد؛ آل‌هاشمی، آیدا و متدین، حشمت‌اله. (۱۳۹۸). رودخانه‌های شهری و تفکر تاب‌آوری در برابر آشوب سیل، برنامه‌ریزی تاب‌آور رودخانه کن. *منظر*، ۱۱(۴۷)، ۶۰-۷۳.
- ترنر، تام. (۱۳۷۶). شهر همچون چشم‌انداز: نگرشی فراتر از نوگرایی (پست-پست‌مدرن) به طراحی و برنامه‌ریزی شهری (ترجمه فرشاد نوریان). تهران: نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- خوانساری، محمد. (۱۳۶۶). *منطق صوری (ج. ۱ و ۲)*. تهران: دیدار.
- شیبانی، مهدی. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی منظر شهری تهران. *منظر*، ۲(۹)، ۲۶-۲۹.
- قزایی، فریبا؛ مثنوی، محمدرضا و حاجی بنده، مونا. (۱۳۹۶). بسط شاخص‌های کلیدی سنجش تاب‌آوری مکانی-فضایی شهری: مرور فشرده ادبیات نظری. *باغ نظر*، ۱۴(۵۷)، ۱۹-۳۲.
- لسوس، برنارد. (۱۳۹۲). یکی رویکرد جهانی به سرزمین: منظر. *منظر*، ۵(۲۳)، ۳۱-۳۲.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چيستی منظر شهری. *منظر*، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۴). آیا «اکولوژی منظر» تعبیر درستی است؟ *منظر*، ۷(۳۲)، ۱۰۰-۱۰۳.
- همتی، مرتضی. (۱۳۹۴). سازگاری: رویکرد طراحی در محیط آشوبناک. *منظر*، ۷(۳۲)، ۷۴-۸۱.
- Ahern, J. (2013). Urban landscape sustainability and resilience: the promise and challenges of integrating ecology with urban planning and design. *Landscape Ecology*, (28), 1203-1212.
- Albers, M. & Deppisch, S. (2013). Resilience in the light of climate change: Useful approach or empty phrase for spatial planning? *European Planning Studies*, 21(10), 1598-1610.
- Alberti, M., Marzluff, J. M., Shulenberg, E., Bradley, G., Ryan, C. & Zumbrennen, C. (2003). Integrating humans into ecology: opportunities and challenges for studying urban ecosystems.

- Lewis, P. F. (1979). Axioms for reading the landscape. In Meinig D. W. (Ed.), *The Interpretation of Ordinary Landscapes* (pp. 11-32). New York: Oxford University Press.
- Lister, N.M. (2015). Resilience: designing the new sustainability. *Topos*, (90), 14-21.
- Local Land Services Central West. (2016). Building Resilience Landscape. Australian Government. Retrieved from www.centralwest.lis.nsw.gov.au
- Lu, P. & Stead, D. (2013). Understanding the notion of resilience in spatial planning: A case study of Rotterdam. *The Netherlands Cities*, (35), 200-212.
- Mc Harg, I. L. (1969). *Design with Nature*. New York: American Museum of Natural History.
- McIntosh, J., Marques, B. & Hatton, W. (2018). Indigenous cultural knowledge for therapeutic landscape design. In Rosa, I. S., Lopes, J. C., Ribeiro, R. & Mendes, A. (Eds.). *Handbook of Research of Methods and Tools for Assessing Cultural Landscape Adaptation* (pp. 28-52). USA: IGI Global.
- Meerow, S., Newell, J. P. & Stults, M. (2016). Defining urban resilience: A review. *Landscape and Urban Planning*, (147), 38-49.
- Meinig, D. W. (1979). The beholding eye: Ten versions of the same scene. In D.W. Meinig, (Ed.). *The Interpretation of Ordinary Landscapes: Geographical Essays* (pp. 33-48). New York: Oxford university press.
- Mileti, D. (1999). *Disasters by Design: A Reassessment of Natural Hazards in the United States*. Washington: Joseph Henry Press.
- Perrings, C. (2006). Resilience and sustainable development. *Environment and Development Economics*, (11), 417-427.
- Pickett, S. T. A., Cadenasso, M. L. & Grove, J. M. (2004). Resilient cities: meaning, models, and metaphor for integrating the ecological, socio-economic, and planning realms. *Landscape and urban planning*, 69(4), 369-384.
- Quinlan, A. E., Berbés-Blázquez, M., Haider, L. J. & Peterson, G. D. (2016). Measuring and assessing resilience: broadening understanding through multiple disciplinary perspectives. *Applied Ecology*, (53), 677-687.
- Roger, A. (1994). *Histoire d'une Passion Théorique ou Comment on Devient un Raboliot du Paysage: Cinq Propositions Pour une Théorie du Paysage*. Paris: Champs vallon.
- Rose, A. (2007). Economic resilience to natural and man-made disasters: Multidisciplinary origins and contextual dimensions. *Environmental Hazards*, (7), 383-398.
- Sijmons, D. (2015). Resilient urbanisation as a landscape architectural question. *Topos*, (90), 30-37.
- Smith, A. (2010). Community-led urban transitions and resilience: performing transition towns in a city. In *Cities and Low Carbon Transitions* (pp. 175-193). Abingdon, Oxon: Routledge.
- Spirm, A. W. (1998). *The Language of Landscape*. London: Yale University Press.
- Steiner, F. (2011). Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories. *Landscape and Urban Planning*, (100), 333-337.
- *être scientifique? Projets de paysage*. Retrieved from www.projetsdepaysage.fr
- Christopherson, S., Michie J. & Tyler P. (2010) Regional resilience: theoretical and empirical perspectives. *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 3(1), 3-10.
- Cockburn, J., Lindley, D., Kotze, D. & Dubazane, N. (2015). *The Resilient Landscapes Approach: WWF*. South Africa Mondi Wetlands Programme.
- Colding, J. (2007). Ecological land-use complementation for building resilience in urban ecosystems. *Landscape and urban planning*, 81(1-2), 46-55.
- Collot, M. (2011). *la pensée-paysage Lonrai* [Lonrai landscape thinking]. Bruxelles: Europan sprl.
- Council of Europe. (2000). European landscape convention, Explanatory report. Retrieved from: <https://www.coe.int/en/web/conventions/full-list-convention-treaty/176>
- Downes, B. J., Miller, F., Barnett, J., Glaister, A. & Ellemor, H. (2013). How do we know about resilience? An analysis of empirical research on resilience, and implications for interdisciplinary praxis. *Environmental Research Letters*, 8(014041), 1-8.
- Duncan, J. S. (2004). *The City as Text: The Politics of Landscape Interpretation in the Kandyan Kingdom*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Duncan, N. & Duncan, J. (2009). Doing landscape interpretation. In DeLyser, D., Herbert, S., Aitken, S., Crang, M. & McDowell, L. (Eds.), *The SAGE handbook of qualitative geography* (pp. 225-247). London: SAGE Publications, Inc.
- Ernstson, H., van der Leeuw, S. E., Redman, C. L., Meffert, D. J., Davis, G., Alfsen, C. & Elmqvist, T. (2010). Urban Transitions: On Urban Resilience and Human-Dominated Ecosystems. *AMBIO*, 39(8), 531-545.
- Folke, C. (2016). Resilience (republished). *Ecology and Society*, 21(4), 44.
- Godschalk, D. R. (2003). Urban hazard mitigation: creating resilient cities. *Natural Hazards Review*, 4(3), 136-143.
- Haber, W. (2004). Landscape ecology as a bridge from ecosystems to human ecology. *Ecological Research*, (19), 99-106.
- Hägerstrand, T. (1993). *Samhälle och natur. In Region och miljö: ekologiska perspektiv på den rumsliga närings- och bosättningsstrukturen* (vol. 1, pp. 14-59). København: Nordisk Institut for Regionalpolitisk Forskning.
- Hodson, M. & Marvin, S. (2012). Mediating low-carbon urban transitions? The forms of organization, knowledge and action. *European Planning Studies*, 20(3), 421-439.
- Holling, C. S. (1973). Resilience and stability of ecological systems annual. *Review of Ecology and Systematics*, (4), 1-23.
- Holling, C. S. (1996). Engineering resilience versus ecological resilience. *Engineering within Ecological Constraints*, (31), 32-44.
- Klein, R. J., Nicholls, R. J., & Thomalla, F. (2003). Resilience to Natural Hazards: How Useful Is This Concept? *Global Environmental Change (Part B: Environmental Hazards)*, 5(1), 35-45.

- Walker, B. & Salt, D. (2006). *Resilience Thinking: Sustaining Ecosystems and People in a Changing World*. Washington: Island Press.
- White, I. (2013). *Water and the City: Risk, Resilience and Planning for a Sustainable Future*. New York: Routledge.
- Wu, J. J. (2008). Making the case for landscape ecology an effective approach to urban sustainability. *Landscape Journal*, (27), 41-50.
- Swaffield, S. (2002). *Theory in Landscape Architecture: A Reader*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Tuan, Y. F. (1979). *Landscapes of Fear*. New York: Pantheon Books.
- Tusaie, K. & Dyer, J. (2004). Resilience: A historical review of the construct. *Holistic Nursing Practice*, (18), 3-10.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

بهرامی، فرشاد و همتی مرتضی. (۱۳۹۹). منظر تاب آور: مفهومی غیرمنظری، بررسی و ارزیابی تعاریف موجود در حوزه تاب آوری منظر، مرور فشرده ادبیات نظری. منظر، ۱۲(۵۰)، ۴۰-۴۹.

DOI: 10.22034/manzar.2020.218060.2032

URL: http://www.manzar-sj.com/article_105080.html